

## مهاجرت اتباع عادی روسیه به استرآباد و پیامدهای ناشی از آن در این ایالت (۱۳۲۸-۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۰-۱۹۱۸ م)

معینی، مینا<sup>۱</sup>/جعفری، علی اکبر<sup>۲</sup>

### چکیده

مهاجرت اتباع روسی به شمال ایران از سال ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۴ م) به بعد، آغاز فصل جدیدی در روابط ایران و روسیه بود. مهم‌ترین علت این رویداد، تغییر سیاست روسیه نسبت به روند مهاجرت‌ها و تبدیل آن به یک استراتژی در سیاست روسیه بود. در واقع دولت روسیه سعی داشت با اسکان مهاجرین در ایالات شمالی ایران و به‌ویژه ایالت استرآباد، در این مناطق کلنی سازی کند و به تدریج نواحی شمالی را از خاک ایران جدا سازد. مهاجرینی که به این منطقه وارد شدند، از گروه‌های مختلفی تشکیل می‌شدند که هر یک، بنا به دلایلی اقدام به مهاجرت نمودند. اینکه چه گروه‌هایی از اتباع روس و به چه دلایلی به ایران مهاجرت کردند؟ سؤال اصلی این پژوهش است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن پاسخگویی به سؤال فوق، روند مهاجرت‌ها به استرآباد و واکنش مقامات ایرانی و حاکمان محلی را نسبت به این مهاجرت‌ها بررسی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گروه‌هایی مانند ترکمن‌ها و مالاکان‌ها، از جمله مهاجرینی بودند که به دنبال تشویق دولتمردان روس برای تصاحب زمین به ایران مهاجرت کردند و حضور آن‌ها در منطقه استرآباد، باعث تصرف گسترده املاک و زمین‌ها، افزایش قدرت و نفوذ روسیه در این منطقه و به‌جای نهادن تأثیرات عمیق فرهنگی شد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، اتباع عادی، روسیه، مالاکان‌ها، استرآباد

۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

# The migration of the Russian Ordinary subjects to Astarabad and its consequences in this state (1910-1918AD /1328-1336AH)

## Absrtact

Since 1332 AH (1914 AD), the migration of Russian subjects to the north of Iran was the beginning of a new chapter in the relations between Iran and Russia. The most important cause of this event was the changing Russia's policy about immigration and convert it into a strategy in Russian politics. In fact, the Russian government was trying to colonize these areas by settling immigrants in the northern states of Iran, especially the state of Astarabad and gradually separate the northern areas of Iran. The immigrants who entered this area were made up of different groups and each of them immigrated for some reason. What groups of Russian subjects immigrated to Iran and for what reasons? Is the important research question. The present study, with Descriptive and analytical method and documentary and library study, tries to deal with the above questions as well as, to inspect the process of migrations to Astarabad and the reaction of Iranian authorities and local rulers to these migrations. Research findings show that the groups such as Turkmens and Malakans immigrated to Iran, because the Russian statesmen encouraged them to do this to take over the land, that their migration caused to the seizure of properties and lands, increased the power and influence of Russia in this region and left a deep cultural impact.

**Keywords:** immigration, ordinary Subjects, Russia, Molokan, Astarabad

## مقدمه

توجه و علاقه روس‌ها به ایالات شمالی ایران، از اوایل قرن هجدهم میلادی و مصادف با پادشاهی آخرین شاه صفوی در ایران شدت و تمرکز بیشتری پیدا نمود. رابطه آن‌ها با این مناطق در آن دوران، بیشتر در ابعاد تجاری خلاصه شد. تحولات نوگرایانه روس‌ها از دوره پتر کبیر موجب شد تا گسترش قلمرو و تلاش برای رسیدن به آب‌های آزاد، از جمله سیاست‌های اصلی آن‌ها باشد. همین موضوع آن‌ها را بیشتر متوجه ایران ساخت. آن‌ها در دهه اولیه تشکیل دولت قاجار و برای تحقق این سیاست خود به شمال غرب ایران تاختند و طی دو دوره جنگ و سپس انعقاد قراردادهایی، بخش‌های وسیع و مهمی از این ناحیه ایران را گرفتند، اما قرارداد ترکمانچای، تا حدود زیادی توجه آن‌ها به این ناحیه را کمتر کرد. لذا شمال و شمال شرق ایران برای دستیابی آن‌ها به اهداف خود، شرایط مناسب‌تری پیدا نمود. مهم‌ترین علت آن‌هم، تسلط ترکمن‌ها بر نواحی شرق دریای خزر بود که باعث شده بود دولت ایران علناً نفوذ و قدرت در این مناطق نداشته باشد. این منطقه هم به آب‌های گرم و هم به قلمرو و مستعمره دولت انگلیس یعنی هند نزدیک‌تر بود و روسیه می‌توانست با پیشروی در این مناطق، اهداف متعددی را به دست آورد. بر این اساس، روسیه شروع به نفوذ و توسعه‌طلبی ارضی در این مناطق کرد و بخشی از سرزمین‌های متعلق به ایران در این منطقه را به تصرف خود درآورد؛ اقدامی که سرانجام منجر به امضای قرارداد آخال در سال ۱۲۹۹ق (۱۸۸۱م) بین ایران و روسیه شد. اما روسیه به این نیز بسنده نکرد و تصرف اراضی جدیدتری از ایران

را بعد از قرارداد آخال نیز ادامه داد. افزایش تعداد قابل توجه کنسولگری‌های روسیه در ایران از سال ۱۹۰۰م، نشان از توجه ویژه روس‌ها به ایران دارد. تعدادی از این کنسولگری‌ها در شهرهای شمالی ایران دایر شد و این اقدام آن‌ها، زمینه ساز و تسهیل کننده مهاجرت اتباع روس به ایران شد. در واقع توسعه طلبی ارضی آن‌ها، این بار شکل متفاوتی به خود گرفت و علاوه بر لشکرکشی نظامی، شامل اسکان دادن مهاجرین و اتباع روس در مناطق متصرفی نیز شد. گزارش‌های محدودی از مهاجرت روس‌ها در دهه اولیه قرن بیستم میلادی در دست است. این موج مهاجرت‌ها، عمومی تر و از نظر تعداد، کمتر بود؛ اما در دهه دوم این قرن، تمرکز بر مهاجرت اتباع عادی و افزایش تعداد آنها را در اسناد می‌توان دید. روندی که تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت و بعد از آن، یعنی در دوره حکومت شوروی، شکل نسبتاً جدیدی به خود گرفت.

در این میان، ایالت استرآباد به‌عنوان یکی از دروازه‌های ورودی به ایران، بیش از سایر مناطق موردتوجه قرار گرفت. اولین بار، حضور نظامی روس‌ها در این ایالت، در سال ۱۲۵۷ق/ ۱۸۴۲م با پیاده کردن نیروی نظامی و ایجاد پایگاه دریایی در جزیره آشوراده محقق شد. بعد از آن روس‌ها در ساحل بندر گز پیاده شدند و راه ورود آن‌ها به این ایالت هموار گردید. استرآباد به‌زودی تحت نفوذ همه‌جانبه روس‌ها قرار گرفت و کنسول روس به قدرت اول در این منطقه تبدیل شد؛ قدرتی که هیچ‌یک از حکام و مقامات محلی استرآباد یارای مقابله با او را نداشتند.

به دنبال توسعه طلبی ارضی روس‌ها در ایالت استرآباد، پای اتباع روسی به این ایالت باز شد. اتباع روس شامل گروه‌های مختلفی همچون مردم معمولی، تجار، کارمندان شرکت‌های تجاری، مقامات روسی، قزاق‌ها و نظامیان بودند که گروهی به‌قصد تجارت و فعالیت‌های اقتصادی، گروهی دیگر باهدف انجام مأموریت‌های شغلی و نظامی و جمعی هم به‌قصد زندگی بهتر و مناسب‌تر به این ایالت نقل مکان کردند. در این بین، دسته‌ای از اتباع به‌قصد مهاجرت دائمی به این ایالت پای نهادند و گروهی به‌طور موقت به این منطقه مهاجرت کردند.

این پژوهش درصدد است تا با مطالعه اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، مهاجرت اتباع روسی به ایالت استرآباد را بررسی و پیامدهای حضور آن‌ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. از آنجا که پرداختن به همه گروه‌های مهاجر در این پژوهش امکان‌پذیر نیست، تنها مهاجرت اتباع عادی که در تاریخ‌نگاری از آن‌ها به‌عنوان «مردم معمولی» یاد می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است.

مهاجرت اتباع روس به منطقه استرآباد در تعدادی از پژوهش‌ها بررسی شده است. در کتاب «استعمار در دیار سبز» حضور روسیه و انگلیس در منطقه استرآباد دیده شده است. این کتاب به‌طور مختصر، اشاراتی به حضور مهاجرینی همچون مالاکان‌ها در استرآباد داشته اما بررسی سایر گروه‌های مهاجر مانند افغان‌ها و ترکمن‌ها که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده، در این کتاب مغفول مانده است. همچنین این کتاب اشارات ارزشمند اما مختصری به تأثیرات فرهنگی روس‌ها بر منطقه داشته، و در نهایت، اینکه از اسناد آرشیوی بسیار کمی بهره برده است.<sup>۱</sup>

«مقاله مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم؛ مرحله دیگری از استعمار»، به تحلیل تاریخی چگونگی کلنی سازی روس‌ها در نواحی شرق ایران پرداخته است. چگونگی مهاجرت اتباع، سازوکارهای اسکان و استملاک، از دیگر محورهای این پژوهش است. این مقاله به‌رغم اهمیتی که در این حوزه مطالعاتی دارد، اما اسناد آرشیوی داخلی را مورد نظر قرار نداده و اساس آن، بیشتر بر منابع غیر ایرانی است. همچنین مطالبی همچون گروه‌های مهاجر، پیامدهای حضور مهاجرین و واکنش مقامات ایرانی نسبت به مهاجرت‌ها، یا به‌طور مختصر بررسی گردیده یا مغفول مانده است.<sup>۲</sup> پژوهش حاضر با رویکرد بررسی اسناد داخلی در واقع ادامه این مقاله محسوب می‌شود.

<sup>۱</sup> - رحمت‌الله رجایی، استعمار در دیار سبز؛ روس‌ها و انگلیس‌ها در استرآباد (تهران: سوره مهر، ۱۳۹۸).

<sup>۲</sup> - مرتضی نورائی، النا آندریوا، «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم؛ مرحله دیگری از استعمار»، مجله پژوهش‌های تاریخی، ش ۴، (زمستان ۱۳۸۸).

«مقاله تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد»، باآنکه مالکیت و تصاحب زمین‌ها توسط روس‌ها در استرآباد را موردبررسی قرار داده است، اما محوریت آن روند مهاجرت اتباع روس، گروه‌های مهاجر روسی و پیامدهای مهاجرت و واکنش‌ها نسبت به آن را در برنمی‌گیرد.<sup>۳</sup>

## روند مهاجرت اتباع روسی به استرآباد و دلایل آن

پس از امضای قرارداد آخال (۱۲۹۹ ق/۱۸۸۱م)، متصرفات روسیه در نواحی شرقی ایران جنبه رسمی پیدا کرد و دولت ایران امیدوار بود که از این پس بتواند امنیت مرزهایش را در مقابل حملات ترکمن‌ها حفظ کند. با این حال، این قرارداد مانع پیشروی و توسعه طلبی‌های روسیه نشد، بلکه این دولت تلاش کرد تا بخش‌های بیشتری از خاک ایران را به تصرف خود درآورد. در این میان، ایالات شمالی ایران برای روس‌ها اهمیت بیشتری داشت. اس. یو ویته<sup>۴</sup> که در دولت تزاری مناصب گوناگونی به عهده گرفت و بسیار تلاش کرد که ایران را تحت تسلط روسیه درآورد، معتقد بود همان‌طور که شهرستان‌های جنوب قفقاز با روسیه متحد شدند، قسمت‌های شمالی ایران نیز باید به تدریج به صورت ولایات دولت روسیه درآیند: «ایران، بخصوص همه قسمت شمالی آن که پرجمعیت‌ترین و حاصلخیزترین بخش ایران است، روزگاری دراز زیر نفوذ تسلط آمیز ما بود. با کشورگشایی روسیه در صفحات جنوبی قفقاز که روزگاری از شهرستان‌های ایران و عثمانی به شمار می‌رفت، سراسر شمال ایران، گویی طبعاً به حکم تقدیر می‌بایست جزوی از امپراتوری بزرگ روسیه گردد یا در حال به صورت کشور تحت‌الحمايه کامل ما درآید. برای حصول چنین نتیجه‌ای بوده است که خون‌های روسی خود را فدا کرده‌ایم»<sup>۵</sup>.

همچنین، ایالات استرآباد از یک سو به واسطه موقعیت استراتژیک خود در شمال شرق ایران که امکان رسیدن به هندوستان را تسهیل می‌کرد، و از سوی دیگر به دلیل حاصلخیزی فراوان، مورد توجه روس‌ها قرار داشت. پیاده کردن نیروی نظامی در جزیره آشوراده و سپس پیاده شدن در ساحل بندر گز در حدود سال ۱۲۶۰ ق (۱۸۴۰م) و بعد از آن، راه ورود به این ایالت را برای آن‌ها هموار کرد. انتقال اجساد اموات روسی از آشوراده به بندر گز برای دفن در قبرستان آنجا، با وجودی که خود جزیره قبرستان داشت،<sup>۶</sup> از جمله نخستین تلاش‌های روسیه برای نفوذ در این ایالت و کوشش جدی برای تصرف اراضی آنجا بود؛ زیرا با دفن اجساد مردگان خود در این مناطق، نوعی تعلق خاطر برایشان شکل می‌گرفته که به تدریج زمینه تصرف اراضی آن نواحی را فراهم می‌نمود.

روس‌ها در استرآباد، روش‌های مختلفی را به کار بستند تا در این ایالت نفوذ و آن را به تصرف خود درآورند. یکی از این شیوه‌ها، انتقال اتباع مهاجر خود به این ناحیه و خرید اراضی آنجا بود. این روش که از آن به «کلنی‌سازی روسیه در ایران» نیز تعبیر می‌شود، در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴) به سیاست اصلی دولت روسیه تبدیل گردید؛<sup>۷</sup> به گونه‌ای که آن‌ها، اتباع خود را تحریک و تشویق به مهاجرت به ایالات شمالی ایران می‌کردند و سپس آنان را در املاک و اراضی که خریداری یا غصب نموده بودند، اسکان می‌دادند. اتباع مهاجر نیز شروع به زراعت و کشاورزی بر روی زمین‌های مذکور می‌نمودند تا بدین روش، تملک خود بر آن اراضی را تثبیت کنند.

<sup>۳</sup> - مرتضی نورائی، مینا سعادت، «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۱۸-۱۳۴۰ ق/۱۹۰۰-۱۹۲۱م»، نشریه گنجینه اسناد، ش ۷۸، (تابستان ۱۳۸۹).

<sup>۴</sup> - Sergei Yulyevich Witte

<sup>۵</sup> - فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۴۸۸.

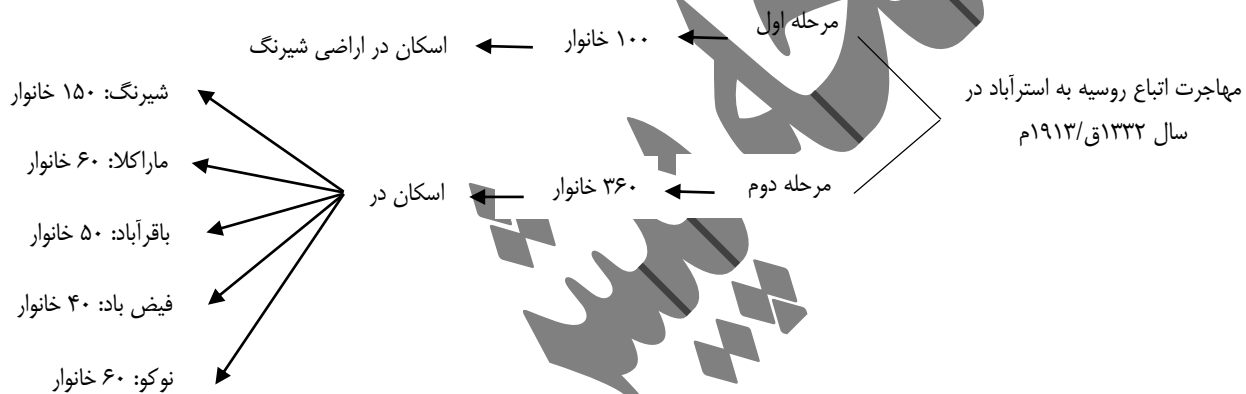
<sup>۶</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۶، کارت‌ن ۵۷، پوشه ۹، سند ۶۵؛ همان، سال ۱۳۲۶، کارت‌ن ۵۷، پوشه ۹، سند ۶۶.

<sup>۷</sup> - نورائی و آندریوا، ص ۲۵.

در راستای این سیاست، روس‌ها رود گرگان را خط سرحدی عنوان کردند و تلاش داشتند تا در آینده، گمرک خانه‌ای در آنجا تأسیس نمایند. همچنین دو مقام از بخش مربوط به مهاجرت برای نظارت و کمک به تسهیل انجام مهاجرت اتباع روسی به استرآباد و گنبد قابوس اعزام شدند و یک اداره یا کمپانی مخصوص نیز تشکیل گردید.<sup>۸</sup>

اسناد و منابع، آماری از ورود این مهاجران در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ ق ارائه داده‌اند. بر این اساس در ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ (۴ جولای ۱۹۱۰) از سرحداری بندر گز گزارش شد که ۱۰ الی ۱۲ خانوار از مالاکان‌های روسی «چندی است به بندر قره‌سو آمده، سکنی گرفته‌اند».<sup>۹</sup>

جی اف کرکین،<sup>۱۰</sup> تعداد مهاجران روسی در ایالت استرآباد را قبل از جنگ جهانی اول، حدود ۲۰۰۰ نفر تخمین زده است. آن‌ها همچنین اشاره کرده‌اند که در ماه‌های اول سال قبل از شروع جنگ جهانی اول، موج جدیدی از این مهاجرت‌ها شروع شد که به صورت زیر می‌توان نمایش داد.



بر این اساس، در سال ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۳ م) حدود ۲۵۰۰ نفر وارد استرآباد شدند، اگرچه به نظر تایشکوف<sup>۱۱</sup> در ادامه این مهاجرت‌ها، تعداد مهاجرین روسی در استرآباد و مازندران در سال ۱۳۳۳ ق (۱۹۱۴ م) به حدود ۴۰۰۰ نفر رسید، اما طبق گزارش ساخاروف<sup>۱۲</sup> در دسامبر ۱۹۱۶ (۱۳۳۵ ق)، جمعیت ساکنان روسی در روستاهای منطقه استرآباد، حدود ۱۵۰۰ نفر تخمین زده شده است.<sup>۱۳</sup>

روزنامه روسکی در ۲۹ محرم ۱۳۳۲ (۲۸ دسامبر ۱۹۱۳) از قول ژنرال لاوروف<sup>۱۴</sup> گزارش داده است که در این سال، تعداد زیادی از رعایای روسی از ترکستان و روسیه اروپا به ایران مهاجرت کرده و بیشتر آن‌ها در حاصلخیزترین دره‌های رودخانه‌های گرگان و اترک ساکن شده‌اند و تعداد این مهاجرین، قریب هفتصد خانوار برآورد شد.<sup>۱۵</sup>

<sup>۸</sup> - اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، (تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۲)، ص ۴۵۳؛ مرکز اسناد و تاریخ

دیپلماسی وزارت امورخارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱.

<sup>۹</sup> - همان، سال ۱۳۲۸، کارتن ۵۱، پوشه ۵، سند ۹.

<sup>۱۰</sup> - G. F. Chirkin، رئیس بخش مهاجرت در وزارت کشاورزی روسیه.

<sup>۱۱</sup> - A. Tatishchev، رئیس بخش کشاورزی ناحیه ترکستان که بعدها دستیار رئیس اداره مهاجرت شد.

<sup>۱۲</sup> - Sakharov، رئیس امور مهاجرین در ترکستان.

<sup>۱۳</sup> - نورائی و آندریوا، ص ۳۴.

<sup>۱۴</sup> - lavrov

<sup>۱۵</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امورخارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱.

روزنامه رعد در ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ (۱۷ مارس ۱۹۱۴) از قول خبرنگار خود، تعداد مهاجرین روسی وارد شده به ایران تا آن تاریخ را حدود سه الی چهار هزار نفر تخمین زده است، اما از قول مطبوعات خارجی، تعداد مهاجرین را بالغ بر پنجاه هزار نفر ذکر کرده است. بنا به این گفته، روزنامه انگلیسی شرق نزدیک، در تاریخ ۲۵ صفر ۱۳۳۲ (۲۳ ژانویه ۱۹۱۴) از طرف مخبر مقیم خود در آدسه گزارش داده که روس‌ها «در سه ماهه اخیر، قریب هفتصد قطعه از محلات بزرگ را در دره‌های حاصل خیز گرگان و اترک به دست آورده‌اند» و پیش‌بینی نموده که تا آخر آن سال ۱۰۰۰۰۰ نفر دیگر بر مهاجرین افزوده خواهد شد.<sup>۱۶</sup>

در ۶ ذی‌حجه ۱۳۳۴ (۴ اکتبر ۱۹۱۶)، از استرآباد به وزارت امور خارجه گزارش شد که هزار و ششصد خانوار ترکمن تبعه روس، در سنگ سواد رود گرگان تجمع کرده‌اند.<sup>۱۷</sup> وکیل الدوله، مخبر انگلیسی‌ها در استرآباد که گزارش‌های او تحت عنوان «مخابرات استرآباد» به چاپ رسیده، این رقم را تأیید کرده است.<sup>۱۸</sup>

احتمالاً علت این اختلاف ارقام به این خاطر بوده که روس‌ها و ایرانی‌ها، ملاک مختلفی در اعلام ارقام داشتند. به طوری که مثلاً برای یکی، سرشماری سالیانه موردنظر بوده و برای دیگری، اعلام رقم جمعیت مهاجر در طول چند سال اهمیت داشته است.

اگرچه آمار دقیق ورود مهاجرین روسی به خاک ایران در سال‌های مختلف مشخص نیست و گاه اختلاف نظر زیادی میان منابع ایرانی و غیر ایرانی ملاحظه می‌شود، اما علت مهاجرت‌ها به طور تقریبی مشخص است و در مجموع می‌توان تصاحب زمین و ملک در خاک ایران و تشویق‌ها و تحریک‌های دولت روسیه برای مهاجرت اتباعش را، علل اصلی این مهاجرت‌ها دانست. همان‌طور که اشاره شد، از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ م مهاجرت اتباع روس به ایران، به یک خواست و سیاست اصلی در میان صاحب‌منصبان و سیاستمداران روسی تبدیل گردید و آن‌ها تلاش می‌کردند با تشویق و ایجاد زمینه‌های مناسب برای اتباع خود، ضمن انتقال و اسکان آن‌ها در خاک ایران، منطقه را به مستعمره تبدیل و به تدریج به خاک کشور خود منضم کنند. بنابراین، آن‌ها در این راه از هیچ کاری از جمله تبلیغات وسیع روی گردانی نکردند؛ به طوری که در سال ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۳ م) که تعداد زیادی از مهاجران روس وارد ایران گردیدند، علت، ایجاد هیاهو و تبلیغات وسیع توسط لاوروف اعلام شد.<sup>۱۹</sup>

ژنرال لاوروف، که در اسناد از او به عنوان «کمیسر سرحدی ایران»<sup>۲۰</sup> یاد شده، در گزارشی مربوط به سال ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۳ م) که برای حکومت محلی تاشکند فرستاده، ادعا کرده که در این سال، تعداد زیادی از رعایای روسی به ایران مهاجرت کرده‌اند و در نقاط حاصلخیز رودخانه‌های گرگان و اترک ساکن شده‌اند. وی پیش‌بینی کرده بود در بهار، دسته‌ای دیگر از مهاجرین به این ناحیه هجوم خواهند آورد و به دلیل تعداد زیاد مهاجرین، از حکومت تاشکند درخواست کرده بود که چند نفر صاحب‌منصب و مأمور برای رسیدگی به امور آن‌ها؛ همچون سرکشی و جابه‌جا نمودن مهاجرین، تعیین و اعزام شود. حکومت تاشکند نیز مسیو ساخاروف که مدیر امور مهاجرین در ترکستان بود را برای این امر تعیین نمود.<sup>۲۱</sup> انتشار این اخبار به‌ویژه در دهات و اشاره به حاصلخیزی این اراضی و ارزانی فوق‌العاده آن، موجب گردید که رعایا فریفته شده و به قیمت‌های خیلی ارزان، دارائی خود را فروخته و به سمت ایران هجوم‌آورند تا بخت خود را در تصاحب زمین بیازمایند.<sup>۲۲</sup>

<sup>۱۶</sup> - روزنامه رعد، ۱۳۳۲ ق، شماره ۳۷، ص ۱

<sup>۱۷</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۴، کارت‌ن ۴۶، پوشه ۱، سند ۵.

<sup>۱۸</sup> - حسینی مقصدلو وکیل الدوله، مخابرات استرآباد؛ گزارش‌های حسینی مقصدلو وکیل الدوله، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، ج ۱، (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۳)، ص ۵۰۶.

<sup>۱۹</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارت‌ن ۴۵، پوشه ۱۸، سند ۸.

<sup>۲۰</sup> - ظاهرأ وی ریاست رسیدگی به امور مرزی ایران و روسیه و امور مربوط به مهاجرین را برعهده داشته است.

<sup>۲۱</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارت‌ن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۳.

<sup>۲۲</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارت‌ن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱.

اگرچه کمبود زمین‌های زراعی در خاک روسیه، سرمای شدید منطقه و تلاش روس‌ها برای رسیدن به آب‌های آزاد را از دیگر دلایل مهاجرت روس‌ها به نواحی شمالی ایران دانسته‌اند، اما این مسئله از دید منابع و اسناد ایرانی، تنها بهانه‌ای برای اجرای نقشه‌های لاوروف و ایوانف، کنسول روس در استرآباد، عنوان شده است. اسناد ایرانی اشاره کرده‌اند که «انقدر آب و خاک زیادی در مملکت روس هست که اگر صد میلیون نفوس دیگر هم به این مملکت داده شود باز جا دارد، پس در این حال باید مطمئن بوده حکومت پترزبورگ [پترزبورگ] مقصودی از خاک استرآباد نداشته و فقط مسیو ایوانف و مسیو لاوروف برای منافع شخصی خود این نقشه را کشیده [اند].»<sup>۲۳</sup>

اگرچه تصرف زمین و تبدیل منطقه به مستعمره، علت اصلی مهاجرت‌ها بود، اما به دنبال وقوع جنگ جهانی اول و انقلاب روسیه، تعدادی از اتباع روس به سمت ایران فرار کردند. در سال ۱۳۳۵ ق (۱۹۱۶ م) که ایالت‌های شمالی به‌ویژه استرآباد با شمار زیاد مهاجران روبرو شد، علت را بیشتر فرار از جنگ و پیامدهای آن عنوان کردند، به‌گونه‌ای که در این برهه، کلنی‌سازی موردنظر مهاجرین نبود. بعد از انقلاب روسیه نیز، به دلیل شرایط ناامن داخلی، هجوم اتباع روس به مرزهای ایران قابل توجه بود.<sup>۲۴</sup>

### گروه‌های مهاجر روسی

همان‌گونه که گفته شد، اتباع روسی به دلایل مختلف از روسیه یا نواحی تحت سلطه آن‌ها به نواحی شمالی ایران مهاجرت می‌کردند. این مهاجرت‌ها، گاه به دلایل فردی و گاه تحت سیاست‌های روسیه در راستای کلنی‌سازی منطقه انجام می‌گرفت. مهاجرین شامل گروه‌های مختلفی بودند که در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. به‌طور کلی مهاجرین یا در تابعیت مستقیم روس بودند، یا ایرانیان و غیر ایرانیانی به شمار می‌رفتند که تابعیت روسی گرفته بودند. این گروه‌ها عبارت بودند از:

### – مالاکان‌ها

مالاکان‌ها (یا مالقان‌ها) از جمله مهاجرین غیر ایرانی بودند که تابعیت روسی داشته و از روسیه و سرزمین‌های وابسته به آن مانند ترکستان وارد ایران شدند. بر اساس اسناد، این مهاجرین اکثراً زارع و دهقان به شمار می‌رفتند. حدود ده الی دوازده خانوار آن‌ها در سال ۱۳۲۸ ق (۱۹۱۰ م) وارد این منطقه شده و در قره‌سو و ملاکله، که پایین دست کرم‌حله بود، ساکن شدند. میرزا جعفرخان، منشی کنسولگری روسیه در استرآباد، کرم‌حله را، که جزء املاک خالصه به شمار می‌رفت، از دولت ایران اجاره نمود و به مالاکان‌ها اجاره داد تا در آنجا ساکن شوند و کشت و زرع نمایند.<sup>۲۵</sup> در سال ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۴ م) گروهی دیگر از مالاکان‌ها در دهات و اراضی و املاکی که مأمورین و اتباع روسی خریداری یا اجاره کرده و یا با اهالی شریک شده بودند، از قبیل سنگ دوین و شیرنگ و جهان‌آباد و غیره، ساکن و مشغول رعیتی شدند. مطابق برخی اسناد، خود این مهاجرین قادر به خریدوفروش ملکی نبوده و فقط به زراعت می‌پرداختند.<sup>۲۶</sup>

تعداد مالاکان‌ها تا قبل از جنگ جهانی اول، به تدریج نزدیک به هزار خانوار رسید. در زمان جنگ، برخی از آن‌ها برای خدمت نظامی به روسیه احضار شدند و تعدادی از آن‌ها بعد از وقوع انقلاب روسیه، به وطن بازگشتند. اگرچه تعدادی از این مهاجرین مراجعت کردند، اما طبق گزارش وزارت خارجه ایران به هیئت دولت، روس‌ها تعدادی از مالاکان‌ها را به ایران منتقل نموده و در نواحی استرآباد و سواحل دریای خزر ساکن کرده و به زراعت و فلاح و داداشتنند. از این رو تخمین رقم

<sup>۲۳</sup> – همان، سال ۱۳۳۲، کارتن ۴۵، پوشه ۱۸، سند ۹.

<sup>۲۴</sup> – همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۶۶، پوشه ۵۱، سند ۱؛ همان، ۱۳۶۶، کارتن ۶۶، پوشه ۵۱، سند ۹.

<sup>۲۵</sup> – همان، سال ۱۳۲۸، کارتن ۵۱، پوشه ۵، سند ۱۱۳.

<sup>۲۶</sup> – همان، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۸.

آن‌ها در سال ۱۳۳۶ق (۱۹۱۸م) به‌درستی مشخص نیست اما طبق اسناد، این مهاجرین در قره‌سو نزدیکی کردمحل و در حوالی کتول و فندرسک و گنبد قابوس سکونت داشتند.<sup>۲۷</sup>

حضور مالاکان‌ها در استرآباد چندان خوشایند اهالی و حتی دولت ایران نبود. در واقع اغلب این مهاجرین بدون تذکره قانونی وارد ایران شده و در نقاط مختلف ایالت استرآباد ساکن شده بودند. آن‌ها در املاک خالصه دولتی و اربابی مستقر شده و در آن‌ها زراعت می‌نمودند. از طرف دولت و صاحبان املاک به این عمل اعتراض می‌شد، اما نتیجه‌ای در برنداشت و این مهاجرین، هزینه‌ها و مالیات املاک را، به دولت و صاحبان زمین‌ها و ملک‌ها پرداخت نمی‌کردند. به همین دلیل، ترکمن‌ها و اهالی منطقه از این نوع رفتار و بی‌قانونی‌ها به ستوه آمده بودند.<sup>۲۸</sup>

از سوی دیگر، این مهاجرین معمولاً برخورد مناسبی با اهالی نداشتند و سوءرفتارهای زیادی از آن‌ها مشاهده می‌شد. در سال ۱۳۲۸ق (۱۹۱۰م) مالاکان‌هایی که در کردمحل ساکن بودند، بی‌نهایت به اهالی آنجا خسارت وارد کردند، اما از آنجا که تبعه روس محسوب می‌شدند، اهالی محل توان یا شهامت برخورد با آن‌ها را پیدا نکردند.<sup>۲۹</sup>

از سوی دیگر، برخی از آن‌ها به همراه کمیسر روس مقیم گنبد قابوس، بدون توجه به روابط دوستانه دولت ایران و روسیه، به اشرار ترکمن، اسلحه داده و آن‌ها را مسلح می‌نمودند.<sup>۳۰</sup> از این رو و به تدریج روابط غیردوستانه میان مالاکان‌ها و اهالی منطقه، دامنه وسیع‌تری به خود گرفت و این بار، اهالی محل و ترکمن‌ها اقدامات اتباع روس را بی‌پاسخ نگذاشته و چندین بار آن‌ها را غارت کردند.<sup>۳۱</sup> این حوادث موجب اعتراض مالاکان‌ها و کنسول روسیه شد. اما کارگزاری استرآباد با اشاره به سوءرفتارهای مهاجرین، از کنسولگری روسیه درخواست کرد آن‌ها را که «قوانین مملکتی و عهدنامه دولتی را رعایت نکرده، اسباب بی‌نظمی و اختلال امور ولایتی را» فراهم آورده‌اند، به روسیه بازگرداند و خسارتی که به مهاجرین وارد شده را «نتیجه تعدیات و اغتشاش کاری خود آن‌ها» دانست که «به سایرین سرمشق می‌دهند و کارگزاران دولت علیه ابداً مسئول نخواهند بود.»<sup>۳۲</sup>

## - ترکمن‌ها

گروه دیگر مهاجرین، ترکمن‌های چاروای یموت بودند که سال‌ها در خاک روسیه سکونت داشتند و از اتباع این کشور محسوب می‌شدند. ترکمن‌ها شامل دو طایفه گوکلان و یموت بودند که هرکدام از آن‌ها به دودسته چاروا (دامدار و صحراگرد) و چمور (یکجانشین و کشاورز) تقسیم می‌شدند.<sup>۳۳</sup> در این میان، یموت شامل دوازده طایفه بود که هرکدام شامل تیره‌هایی می‌شد. اقامتگاه آن‌ها گمیش‌تپه، خواجه نفس، کنار دهانه رود اترک و قره‌سنگر بود.<sup>۳۴</sup> بر اساس قرارداد مرزی سال ۱۲۹۸ق (۱۸۸۱م) ایران و روسیه، خط سرحدی در این قسمت، رودخانه اترک تعیین گردید. بنابراین ترکمن‌ها به دو قسمت تقسیم شده و در شمال رودخانه، یموت‌هایی ساکن گردیدند که تابعیت دولت روسیه را گرفتند و در جنوب رودخانه، یموت‌های تبعه دولت ایران ساکن شدند.<sup>۳۵</sup> گروهی از ترکمن‌های تبعه ایران، همواره اسباب ناامنی منطقه را فراهم می‌آوردند.<sup>۳۶</sup>

<sup>۲۷</sup>- همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۰.

<sup>۲۸</sup>- همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۸؛ همان، سال ۱۳۳۷، کارتن ۴۶، پوشه ۸، سند ۱۳.

<sup>۲۹</sup>- همان، سال ۱۳۲۸، کارتن ۵۱، پوشه ۵، سند ۱۱۳؛ همان، سال ۱۳۳۲، کارتن ۴۵، پوشه ۱۱، سند ۱۰.

<sup>۳۰</sup>- همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۸.

<sup>۳۱</sup>- همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۰.

<sup>۳۲</sup>- همان، سال ۱۳۳۷، کارتن ۴۶، پوشه ۸، سند ۱۳؛ همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۰.

<sup>۳۳</sup>- اراز محمد سارلی، تاریخ ترکمنستان، ج ۲، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳)، ص ۲۹.

<sup>۳۴</sup>- گریگوری ملگونف، کرانه‌های جنوبی دریای خزر، ترجمه امیر هوشنگ امینی، (تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۷۶)، ص ۱۳۱.

<sup>۳۵</sup>- جورج ناتانیل کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، جلد ۱، (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۲۵۹-۲۶۰.

<sup>۳۶</sup>- روزنامه مجلس، ۱۳۲۵، شماره ۲۰۱، ص ۱؛ روزنامه صبح صادق، ۱۳۲۵، شماره ۱۶۶، ص ۱.



اما تعدادی از ترکمن‌ها بر اساس عادت و اختلاف فصول و همچنین مجوزی که بر اساس قراردادهای منعقد شده داشتند، بین ایران و روسیه در رفت‌وآمد بودند و گله‌های خود را می‌چراندند؛ به همین خاطر، تابعیت آن‌ها به درستی مشخص نبود.<sup>۳۷</sup> از این رو طبق قرارداد، ترکمن‌های ساکن در خاک روسیه تا وقتی که در این سرزمین بودند، تبعه روس و هنگامی که به خاک ایران بازمی‌گشتند تبعه ایران به حساب می‌آمدند.<sup>۳۸</sup>

با اقدامات دولت روس، یموت‌های ساکن خاک روسیه به طور کامل تابع این دولت شدند و بدون توجه به رضایت یا عدم رضایت آن‌ها از حکومت تزاری، امکان شورش از آن‌ها گرفته شد.<sup>۳۹</sup> روس‌ها حتی در امور مربوط به ترکمن‌های تابع ایران دخالت کرده و تلاش می‌کردند با انتصاب نماینده و کدخدایی برای آن‌ها، امور مربوط به ترکمن‌ها را رسیدگی و مانع مراجعه آن‌ها به حکومت استرآباد شوند.<sup>۴۰</sup> خلاء حضور مقامات ایرانی در برخی از مناطق استرآباد باعث شده بود که روس‌ها نفوذ خود را در میان ترکمن‌ها افزایش دهند.<sup>۴۱</sup>

حدود سال‌های اولیه دهه ۱۳۳۰ق، تعداد زیادی از ترکمن‌های تبعه روسیه، که سال‌ها در مناطقی از خاک روسیه مانند چکشلر و شاهقندم زندگی می‌کردند، به دلیل مرغوبی اراضی و امنیت و آرامشی که در استرآباد به وجود آمده بود و همچنین برای فرار از سوءرفتارهای حکام و مأمورین روسیه، از ترکستان و خاک روسیه به استرآباد مهاجرت کردند و در کنار رودخانه‌های اترک و گرگان ساکن شدند.<sup>۴۲</sup> در تاریخ ۶ ذی‌حجه ۱۳۳۴ (۴ اکتبر ۱۹۱۶) تعداد این مهاجرین در سنگرسواد، کنار رود گرگان ۱۶۰۰ خانوار ذکر شده است.<sup>۴۳</sup>

به دنبال مهاجرت ترکمن‌ها به این بخش، مشکلاتی هم برای خود آن‌ها و هم برای دولت ایران پدید آمد. از یک سو، مشاجره‌ها و درگیری‌هایی میان ترکمن‌ها برای تصاحب زمین‌ها به وجود آمد که پای حکومت و کارگزاری و کنسولگری نیز به اختلافات و دعاوی آن‌ها کشیده شد. از آنجاکه تمام املاک متعلق به دولت بود، هیچ‌یک از ترکمن‌ها نمی‌توانستند اراضی را خریدوفروش نمایند، مگر اینکه «حق زحمت خودشان را برای آباد کردن زمینی به یکدیگر واگذار و دادوستد نمایند.»<sup>۴۴</sup> از سوی دیگر، چالش‌هایی میان ترکمن‌ها با دیگر مهاجرین روس در این منطقه به وجود آمد که اغلب همراه با درگیری و تیراندازی به طرف مقابل بود. به طور مثال در ذی‌حجه ۱۳۳۴ (اکتبر ۱۹۱۶) گزارش شده این ترکمن‌ها با مالکان‌ها، که در یکه مازو، یک فرسخی استرآباد، مشغول زراعت بودند، درگیر شده، به سمت آن‌ها تیراندازی کرده و تعدادی از گاوهای آن‌ها را به سرقت بردند.<sup>۴۵</sup> به دنبال این قبیل اتفاقات، حاکم استرآباد ضمن مقابله با این دست اقدامات، تلاش می‌کرد از همراهی ترکمن‌ها با طوایف افغان، برای دزدی و چپاول اموال مردم جلوگیری به عمل آورد.<sup>۴۶</sup>

در سال ۱۳۳۵ق (۱۹۱۷م)، مشکلات ناشی از حضور این مهاجرین در ایران، شکل وسیع‌تری به خود گرفت. در این سال، ترکمن‌های ساکن خاک روسیه، به دنبال درخواست دولت روسیه مبنی بر نیاز به نیروی نظامی و سرباز از میان ترکمنان، خود را تبعه ایران معرفی کرده و عَلم طغیان برافراشتند. حدود ۷ هزار نفر از آن‌ها که به خاک ایران مهاجرت کرده بودند، ترکمن‌های ساکن ایران را با خود همراه نمودند و تمام ناحیه استرآباد را مورد تهدید قرار دادند. درگیری‌های آن‌ها با

<sup>۳۷</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۵، کارتن ۶۶، پوشه ۱۷، سند ۲۱۱.

<sup>۳۸</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۸.

<sup>۳۹</sup> - کرزن، ج ۱، ۲۶۰.

<sup>۴۰</sup> - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه: ۲۱۰/۱۱۰۲.

<sup>۴۱</sup> - همان، شناسه: ۲۴۰/۱۴۳۲۹؛ روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۳۱ق، شماره ۱۳، ص ۱۹.

<sup>۴۲</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۸.

<sup>۴۳</sup> - همان، سال ۱۳۳۴، کارتن ۴۶، پوشه ۱، سند ۵.

<sup>۴۴</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۸.

<sup>۴۵</sup> - همان، سال ۱۳۳۴، کارتن ۴۶، پوشه ۱، سند ۵.

<sup>۴۶</sup> - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه: ۲۹۵/۷۴۵۹.

نیروهای روسی اگرچه در ابتدای امر به نفع آن‌ها پیش رفت و روس‌ها را وادار به عقب‌نشینی ساخت،<sup>۴۷</sup> اما سرانجام به برتری نیروهای روس منجر شد. روس‌ها بعد از این پیروزی، ترکمن‌ها را خلع سلاح نموده و اراضی دشت یموت و گوکلان، که از استرآباد تا سرحد بجنورد امتداد داشت و جزو حاصلخیزترین اراضی به حساب می‌آمد را تصرف نموده و مشغول ترسیم نقشه‌ای برای ایجاد شهر در این ناحیه شدند؛ اگرچه انقلاب اکتبر و نتایج بعدی آن، هیچگاه به روس‌ها اجازه عملی نمودن این تصمیم را نداد. طبق گزارش‌ها، روس‌ها ظاهراً قصد داشتند ترکمن‌های این مناطق را به طرف روسیه کوچ دهند و به جای آن‌ها، مالکان و دیگر اتباع روسی را آورده و در آنجا ساکن کنند. آن‌ها همچنین به طوایف ترکمن اعلام کردند که باید نصف اموال و دارائی خود را به نظامیان روس واگذار و تسلیم نمایند.<sup>۴۸</sup>

## – افغان‌های تبعه روسیه

در سال ۱۳۳۶ق (۱۹۱۸م) منطقه استرآباد با ورود گروه جدیدی از مهاجرین روسی روبرو شد. این افراد از عشایر و ایلات افغانستان بودند که حدود پنج الی شش سال قبل از این تاریخ، به روسیه مهاجرت کرده و در بایرامعلی روسیه ساکن شده بودند. در این سال به واسطه بروز قحطی و نبود آب و غلات در بایرامعلی، نزدیک به سیصد خانوار از آن‌ها با حمایت یکی از اتباع روس به نام «مسیو زیت مان» به خاک ایران وارد شدند. زیت مان این مهاجرین را که تذکره نداشتند، بدون اجازه مأمورین محلی وارد بندر گز نمود تا در آق‌قلعه و صحرای ترکمان به زراعت مشغول شوند.<sup>۴۹</sup> بنا بر اسناد، این مهاجرین در واقع اجیرشده روس‌ها و در کنترل آن‌ها بودند و بعضی از ایشان از روس‌ها جیره و خرج راه دریافت کرده بودند.<sup>۵۰</sup> ورود این دسته از مهاجرین، مشکلاتی برای دولت ایران به وجود آورد. از یک‌سو بدون تذکره بودن آن‌ها، خلاف قانون و قرارنامه بین دولت ایران و روس تلقی می‌شد که بر اساس آن مقرر شده بود اتباع خارجی بدون «تذکره صحیح» و قانونی، حق ورود به خاک ایران را ندارند. بر این اساس «دایره تفتیش سرحدات استرآباد» به محض دیدن تذکره‌های غیر قانونی، اقدام به جمع‌آوری آن‌ها می‌نمود.<sup>۵۱</sup> از سوی دیگر اقدام زیت مان بدون اجازه اولیای دولت ایران، دخالت در «عمل زراعت و فلاحه منطقه استرآباد» محسوب می‌شد و به دلیل برهم زدن نظم این ناحیه و امنیت سرحدی، به هیچ‌وجه مورد پذیرش دولت ایران نبود.<sup>۵۲</sup> همچنین در این زمان اهالی بندرگز به دلیل گرانی و کمیابی آذوقه در فشار و تنگنا قرار داشتند و ورود این افراد، مشکلات آن‌ها را افزون می‌کرد.<sup>۵۳</sup> چنانچه از سوی اولیای ایران هشدار داده می‌شد اگر روس‌ها نسبت به تهیه آذوقه این مهاجرین اقدام لازم را به عمل نیاورند، مشکلات زیادتر خواهد شد. بنابراین وزارت امور خارجه و کارگزاری استرآباد طی نامه‌های مختلفی از کنسولگری روس درخواست کردند که به سبب مشکلات فراوان، برای بازگرداندن این مهاجرین، مساعدت نمایند.<sup>۵۴</sup> هرچند در جواب درخواست‌های مکرر دولت ایران از روس‌ها، کنسول روس منکر تبعیت روسی این مهاجران شد و آن‌ها را از اتباع ایران می‌دانست، اما پیگیری‌های اولیای دولت ایران برای خارج کردن این مهاجرین از خاک ایران ادامه پیدا کرد.<sup>۵۵</sup>

## – آوارگان جنگ و پناهندگان سیاسی

<sup>۴۷</sup> – مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۵، کارتن ۶۶ پوشه ۱۷، سند ۲۱۱؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه: ۲۴۰/۷۲۴۸.

<sup>۴۸</sup> – مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۵، کارتن ۶۶، پوشه ۱۷، سند ۲۰۲.

<sup>۴۹</sup> – همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۱۴؛ همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۲.

<sup>۵۰</sup> – همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۶؛ همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۱۴.

<sup>۵۱</sup> – سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه: ۳۶۰/۸۷۸۱.

<sup>۵۲</sup> – مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۷.

<sup>۵۳</sup> – همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۹؛ همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۲.

<sup>۵۴</sup> – همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۷؛ همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۱۴.

<sup>۵۵</sup> – همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۲۵.

در جنگ جهانی اول، روس‌ها در راستای منافع خود، استرآباد را به اشغال درآوردند. آن‌ها در این جنگ، دوازده هزار نظامی در استرآباد داشتند.<sup>۵۶</sup> بعداً به علت وقوع حوادث داخلی در روسیه، زمینه برای خروج نیروهای روسی از این ایالت فراهم شد. دولت روسیه برای تأمین نیروی انسانی، قشون نظامی را که در استرآباد، گنبدقاپوس و باقی نواحی شمال داشت، به همراه رعایای روسی که برای کشاورزی به استرآباد آورده بود، به روسیه فراخواند و به میدان‌های جنگ اعزام نمود. دریابگی روس مأمور شده بود همه اتباع روس را که در استرآباد می‌زیستند، روانه جنگ نماید. با این همه اعزام همه این اتباع میسر نشد و تعدادی همچنان در استرآباد باقی ماندند. گروهی از اتباع روس هم بعد از انقلاب روسیه، شخصاً به وطنشان مراجعه کردند.<sup>۵۷</sup> یکی از علل مهاجرت این اتباع، ضعیف شدن موقعیت روسیه در این مناطق و در مقابل، قدرت یافتن ترکمن‌ها و حملات آن‌ها به روستاهای مهاجرنشین روسی بود؛ به‌گونه‌ای که در مورد سرقت و غارت اموال آن‌ها، به‌طور مرتب شکایاتی از کنسولگری به حکومت استرآباد می‌رسید.<sup>۵۸</sup>

اگرچه در زمان جنگ جهانی اول، اتباع روس به میدان‌های جنگ فراخوانده شدند، اما این مسئله، روند مهاجرت اتباع روسی به خاک ایران را متوقف نکرد. در زمان جنگ عمدتاً به دلیل سختی شرایط ناشی از جنگ، گروهی از اتباع روسیه به سمت ایران فرار کردند که به‌عنوان نمونه می‌توان از هجوم مهاجرین به ناحیه استرآباد در سال ۱۳۳۵ق (۱۹۱۶م) یاد کرد. بعد از وقوع انقلاب روسیه نیز مجدداً ایالات شمالی به‌ویژه استرآباد با هجوم اتباع روس روبرو شد. در رجب ۱۳۳۶ برخی مأمورین دولت روسیه، صاحب‌منصبان این کشور و اتباع دیگر، برای حفظ جان خود به‌سوی مناطق شمالی ایران و از جمله ناحیه استرآباد حرکت کرده و تلاش داشتند به این کشور پناهنده شوند.<sup>۵۹</sup>

### پیامدهای مهاجرت اتباع روس به ایالت استرآباد

مهاجرت اتباع روسی به نواحی شمالی ایران، به‌ویژه ایالت استرآباد، پیامدهایی برای این مناطق داشت که در ادامه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### – تصرف املاک و زمین‌ها توسط مهاجرین روسی

مهم‌ترین پیامد مهاجرت اتباع روس به ایران، تصرف زمین‌ها و اراضی مختلف بود. با اینکه طبق عهدنامه تجاری ایران و روسیه (۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م)، اتباع روس در ایران تنها اجازه تملک خانه برای سکونت و انبار و مغازه برای کسب‌وکار و تجارت خود را پیدا کردند و به‌هیچ‌عنوان مجاز به خرید سایر اراضی از جمله زمین‌های کشاورزی نبودند،<sup>۶۰</sup> اما با افزایش ورود مهاجرین روسی به ایران در اوایل قرن بیستم و حمایت دولت روسیه از این مهاجرت‌ها، این بند از عهدنامه نادیده گرفته شد.

مهاجرین روس با ورود به ایران از جمله ایالت استرآباد، شروع به خرید انواع مختلف اراضی از جمله روستا، باغ، قنات و زمین کشاورزی نمودند. بیشتر این مهاجرین در حاصلخیزترین نقاط ساکن شدند و با خرید زمین‌های خوانین و سایر مردم به قیمت بسیار کم، مشغول کشت و زرع گردیدند. این مهاجرین، از هر نوع ماشین‌آلات علف‌بری و شخم‌زنی با خود

<sup>۵۶</sup> کاوه بیات، ایران و جنگ جهانی اول، (تهران: سازمان اسناد ملی پژوهشکده اسناد، ۱۳۸۱)، ص ۳۸۰.

<sup>۵۷</sup> مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۰؛ رجایی، ص ۴۷.

<sup>۵۸</sup> همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۰.

<sup>۵۹</sup> همان، سال ۱۳۳۶، کارتن ۶۶، پوشه ۵۱، سند ۹.

<sup>۶۰</sup> روزنامه رعد، ۱۳۳۲ق، شماره ۲۷، ص ۱؛ اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای، به کوشش فاطمه قاضیه‌ها، (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۹۱)، ص ۲۵۴.

آورده و حتی پول آب و مالیات نیز نمی‌پرداختند.<sup>۶۱</sup> مالکان‌های ساکن در قره‌سو نیز، بدون اینکه قرارداد اجاره‌ای بنویسند و یا در مورد مسائل آن صحبتی کنند، مشغول زراعت شدند.<sup>۶۲</sup>

انتشار اخبار فراوانی اراضی و قیمت بسیار کم آن، باعث ترغیب شدن و هجوم تعداد بیشتری از روس‌ها به منطقه استرآباد شد، به طوری که برای رسیدگی به امور آن‌ها یک کمپانی یا اداره تشکیل گردید.<sup>۶۳</sup>

اما حضور این مهاجرین بدون تذکره، که معلوم نبود به تابعیت ایران درخواهند آمد یا خیر، بدون ایجاد دردسر برای اهالی منطقه نبود. خسارت‌های متعدد آن‌ها به مردم مناطقی که در آن ساکن بودند، برای اهالی طاقت‌فرسا شده بود، اما از آنجاکه این مهاجرین همچنان تابعیت روس داشتند، مردم جرأت و جسارت درگیر شدن با آن‌ها را نداشتند؛<sup>۶۴</sup> چراکه مقامات روس به‌ویژه کنسول، از خرید زمین‌ها و فعالیت‌های کشاورزی مهاجرین حمایت می‌کردند. در اسناد ذکر شده، خود کنسول روسیه در استرآباد، برخلاف قوانین روسیه و قوانین بین‌المللی، چندین هزار جریب زمین را متصرف شده و مشغول زراعت گردیده بود. ظاهراً وی تخم پنبه از هندوستان آورده و تصمیم داشت در زمین‌های خود بکارد.<sup>۶۵</sup> وی نفوذ زیادی در ایالت استرآباد به دست آورده و برای اتباع روسیه زمین‌هایی را خریداری کرده بود.<sup>۶۶</sup> سردار رفیع در نامه خود به دولت مرکزی درباره شرایطی که ایوانف در استرآباد به وجود آورده بود، نوشته: «در واقع، استرآباد را کلیتاً از خاک ایران مجزا ساخته، جزو خاک روسیه نموده بود. عموم مردم این جا را روس فیل نموده، املاک جهت مالکان .... خریده... تمام عمارات و ابنیه دولتی را محل سکنی قزاق و سالدات روس نموده بود.»<sup>۶۷</sup>

ژنرال لاوروف، کمیسر گنبدقابوس نیز، علاوه بر نفوذی که در این صفحات داشت، زمین‌های نزدیک رود اترک و گرگان را، که جزو اراضی دولت ایران بود، به اتباع و زارعین روسی می‌فروخت و آن‌ها را در آنجا ساکن می‌ساخت.<sup>۶۸</sup>

روند خریدوفروش زمین‌ها چنان بود که روزنامه رعد، اوضاع استرآباد را «منتها درجه محزون و دل‌خراش» توصیف کرد. در واقع آن چنان که همین روزنامه اشاره کرده، مهاجرین روس همگی با زور و یا با پرداخت مبلغی ناچیز، املاک رعایای بیچاره را به اسم خریداری یا اجاره، از چنگشان درآورده و غصب می‌نمودند.<sup>۶۹</sup>

در این میان، تعدادی از متنفذین ایرانی نیز به یاری روس‌ها برخاسته و در خرید زمین‌ها به آن‌ها کمک کردند و هرچه بیشتر، رعایای هم‌وطن خود را دچار سختی و مصیبت می‌ساختند. یکی از این افراد، شخصی به نام آقا شیخ محمدباقر فاضل معروف به «شیخ ملک فروش» بود.<sup>۷۰</sup> وی دلال و از جمله زمین‌داران به نام منطقه بود که زمین‌ها را به عنوان اینکه مالک آن مشخص نیست یا به‌طور جعلی، با اسم خود به روس‌ها می‌فروخت و چندین هزار تومان از آن‌ها دریافت می‌کرد.<sup>۷۱</sup> شیخ طاهر مجتهد و شیخ حسین جزئی از دیگر افراد سرشناس محلی بودند که اراضی ساکنین استرآباد را می‌خریدند و به روس‌ها می‌فروختند.<sup>۷۲</sup> روزنامه چهره‌نما، این افراد را ملأ نهایه دانسته که در خدمتگزاری به روس‌ها از امین السلطان، صدراعظم،

<sup>۶۱</sup> محمدنادر نصیری مقدم، گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴)، ص ۳۳۷؛ مرکز

اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارت ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱؛ همان، سال ۱۳۲۸، کارت ۵۱، پوشه ۵، سند ۱۱۳.

<sup>۶۲</sup> همان، سال ۱۳۳۶، کارت ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۴.

<sup>۶۳</sup> همان، سال ۱۳۳۲، کارت ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱۲.

<sup>۶۴</sup> همان، سال ۱۳۲۸، کارت ۵۱، پوشه ۵، سند ۱۱۳.

<sup>۶۵</sup> همان، سال ۱۳۳۲، کارت ۴۵، پوشه ۱۸، سند.

<sup>۶۶</sup> سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه ۲۱۰/۱۱۰۲۲.

<sup>۶۷</sup> همان: شناسه: ۲۱۰/۱۱۰۲۲.

<sup>۶۸</sup> مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارت ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱۲.

<sup>۶۹</sup> روزنامه رعد، ۱۳۳۲ق، شماره ۳۷، ص ۱

<sup>۷۰</sup> وکیل‌الدوله، ج ۱، ص ۳۶۲.

<sup>۷۱</sup> مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۲۶.

<sup>۷۲</sup> وکیل‌الدوله، ج ۱، ص ۳۶۳.

نیز پیشی گرفته بودند. به گفته این روزنامه، این افراد با قبایله‌های قدیمی، روستاهای کتول مثل شیرنگ، باباگلین و سنگدوین را به کنسول روس فروخته بودند.<sup>۷۳</sup>

روند خرید و اجاره زمین‌ها آن‌چنان سریع پیش رفت، که می‌شد اطمینان داشت به‌زودی کلیه استرآباد را یا «خواهند فروخت و یا اجاره ۹۹ ساله خواهند داد» و به‌این ترتیب، بیم آن می‌رفت که کل منطقه به تصرف روس‌ها درخواهد آمد.<sup>۷۴</sup> روس‌ها با تصرف اراضی سرحدی، درصدد تغییر خطوط مرزی نیز بودند. در سال ۱۳۳۱ق (۱۹۱۲م) یکی از اتباع روس به نام «برستیداد» با کمک رئیس گمرک خانه تلاش کرد تا ناحیه قربان‌قاز، که در سه فرسخی اترک و سرحد ایران و روس و در نیم فرسخی سنگرتپه قرار داشت را تصرف کند. از این‌رو به شخصی به نام «چودور»، که از بزرگان و ریش‌سفیدان ترکمن‌های سرحدنشین این ناحیه بود، پول زیادی داده و او را تطمیع و تهدید نمودند که اراضی را به آن‌ها واگذار کند. اما چودور راضی به این کار نشد و این اراضی را متعلق به دولت ایران دانست که به ترکمن‌ها واگذار کرده تا در آنجا زراعت کنند. پس از این، روس‌ها با آوردن چوب، سعی نمودند در این نواحی، پست روس ایجاد کرده و علامت سرحدی نصب نمایند و ترکمن‌ها را از این ناحیه کوچ دهند.<sup>۷۵</sup> در گزارش اداره گمرک گمیش‌تپه به وزارت امور خارجه از قول چودور آمده: «اگر روس‌ها بخواهند در قربان‌قاز پست قرار بدهند، قریب چهار فرسخ تجاوز به خاک ایران کرده‌اند [...] روس‌ها مخصوصاً به تراکمه سرحدنشین اذیت می‌رسانند که از سرحد بکچند و فراری باشند که روس‌ها کم‌کم به مقصود خودشان برسند و خودشان جلوتر بیایند.»<sup>۷۶</sup>

از سوی دیگر، تصرف اراضی و اسکان اتباع روس، سبب پدید آمدن روستاها و آبادی‌های روس‌نشین زیادی در ناحیه استرآباد شد. وکیل‌الدوله، روستاهای شیرنگ (۱۵۰ خانوار)، مارانکلاته (۶۰ خانوار)، باقرآباد (۵۰ خانوار)، فاضل‌آباد (۴۰ خانوار) و نیرکان (۶۰ خانوار) را از جمله این قراء تازه تأسیس می‌داند.<sup>۷۷</sup>

### – گسترش نفوذ روس‌ها

یکی دیگر از پیامدهای هجوم مهاجرین به منطقه، این بود که تصاحب زمین‌ها توسط مهاجرین روسی، به خواست دولت روسیه مبنی بر کلنی‌سازی منطقه جامه عمل می‌پوشاند. ایالت‌های شمالی ایران از حیث حاصلخیزی و کشت محصولات مانند کتان، برنج و حبوبات، فوق‌العاده برای روس‌ها حائز اهمیت بودند و روس‌ها از سال ۱۳۳۳ق (۱۹۱۴م) سیاست اصلی خود را توسعه اراضی در این مناطق قرار داده و برای رسیدن به این مقصود، می‌بایست از مهاجرین خود استفاده می‌کردند. هرچند وزیرمختار روسیه اظهار می‌داشت منظور از این مهاجرت‌ها، اهداف سیاسی نیست،<sup>۷۸</sup> اما تشویق و حمایت همه‌جانبه آن‌ها از این مهاجرت‌ها، تشکیل کمپانی‌ها و شرکت‌های خاص برای اداره امور مهاجرین و اعزام افرادی همچون ساخاروف برای رسیدگی به وضعیت مهاجرین و اراضی، خلاف این امر را نشان می‌دهد. تصرف املاک و اراضی به حدی پیشرفت داشت که اگر انقلاب روسیه اتفاق نیفتاده بود و سربازان و گروهی از مهاجران مجبور به ترک خاک ایران نشده بودند، احتمال آن وجود داشت که ایالت‌های شمالی ایران به‌ویژه استرآباد به خاک روسیه منضم شود.

<sup>۷۳</sup> – روزنامه چهره نما، ۱۳۲۴ق، شماره ۳۰، ص ۱۰.

<sup>۷۴</sup> – مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۱، کارت‌ن ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۲۶.

<sup>۷۵</sup> – همان، سال ۱۳۳۱، کارت‌ن ۵۱، پوشه ۶۹، سند ۲۴.

<sup>۷۶</sup> – همان، سال ۱۳۳۱، کارت‌ن ۵۱، پوشه ۶۹، سند ۳.

<sup>۷۷</sup> – وکیل‌الدوله، ج ۱، ص ۳۴۶.

<sup>۷۸</sup> – روزنامه رعد، ۱۳۳۲ق، شماره ۳۷، ص ۱.

در این زمان، کنسول‌ها در امور داخلی منطقه مداخله می‌کردند و قدرت را در دست گرفته بودند. آن‌ها به تدریج برای پیشبرد اهداف خود و نفوذ هرچه بیشتر در منطقه، شروع به خرید و فروش املاک و اراضی مزروعی کردند و بسیاری از این املاک را با مقاصد مختلف از حاکم و یا زمین‌داران بزرگ خریداری و یا اجاره می‌کردند.<sup>۷۹</sup>

روسیه در این زمان عملیات خود را برای تملک بر شمال ایران آغاز کرده بود و برای دستیابی به اهداف خود به حمایت از مالکین عمده و بازرگانان می‌پرداخت. مقامات روسی دهات و قصبات زیادی را در استرآباد به قیمتی کم و با اجبار و فشار زیاد بر مردم و مالکین خریداری می‌کردند و اتباع روسی را وادار می‌کردند بر روی آن اراضی کار کنند.<sup>۸۰</sup> بنابراین روس‌ها توانستند با نفوذ و مداخله بیش‌ازحد خود در منطقه، حمایت زمین‌داران و تجار بزرگ را به دست آورند و از این طریق، صاحب املاک و ثروت فراوانی شوند. آن‌ها علاوه بر خرید زمین به خرید قنات هم می‌پرداختند، چنانچه در روستای شیرنگ ۲۵ دهنه قنات بعد از تعمیر، توسط روس‌ها خریداری شد.<sup>۸۱</sup>

درواقع سیاست روسیه در ایران، استعمار این کشور و جدایی نقاط حاصلخیز شمالی بود و مهاجرت اتباع روس به این سرزمین‌ها و خرید املاک و اراضی، علاوه بر افزایش نفوذ روس‌ها در منطقه، امکان پیشبرد اهداف و کلنی‌سازی را به آن‌ها می‌داد. با این حال، به دنبال پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و به قدرت رسیدن بلشویک‌ها، اکثر امتیازات سیاسی و دیپلماسی و امثال آن را که رژیم تزاری به ایران تحمیل کرده بود، لغو شد و دستگاه جنگی روس در ایران را از کار انداخت و به استعمار اراضی در خاک ایران پایان داد.<sup>۸۲</sup>

### – تأثیرات فرهنگی مهاجرین در منطقه

حضور مهاجرین روسی در منطقه استرآباد، تأثیرات فرهنگی متعددی به همراه داشت. تأثیر زبانی آن‌ها بر گویش‌های موجود در منطقه استرآباد و راه یافتن واژگان روسی به این گویش‌ها از این نمونه تأثیرات بود. به‌طور مثال، گویش کتولی یکی از گویش‌هایی بود که بی‌تأثیر از زبان روسی باقی نماند. واژگانی مانند سمشکه<sup>۸۳</sup>، سیچاس<sup>۸۴</sup>، گیروان<sup>۸۵</sup>، چتکه<sup>۸۶</sup> و نعلیکی، از جمله واژه‌هایی است که از زبان روسی به این گویش راه پیدا کرده است.<sup>۸۷</sup> همچنین حضور نشر مهاجرین با ایرانی‌ها، سبب گردید تا بسیاری از ایرانیان آن منطقه، زبان روسی را یاد گرفته و به این زبان تکلم کنند.

مردم استرآباد به روس‌ها، اروس می‌گفتند و ضرب‌المثل «اروس خوبه یا ارمنی...» و امثال این، در ادبیات مردم مناطق غرب ایالت استرآباد وجود داشت. همچنین در میان ترکمن‌ها، اشعاری علیه حضور روس‌ها سروده می‌شد. چنان‌که نقل شده: «اورسلار گلدی بو یوردا/ دعوا قوردی اوبا دا/ بوته بلا بیل مهدیک / خلینگ آغزی توپهدا. روس‌ها به سرزمین ما هجوم آوردند و اوبه (روستا) ما را به یغما بردند. این چه فتنه و شورشی است که خلق را به فغان آورده است.»<sup>۸۸</sup> همچنین حضور روس‌ها در منطقه بر ادبیات داستانی این ناحیه نیز تأثیر گذاشت. نام‌ها و شخصیت‌های روسی در ادبیات داستانی ایران و منطقه گلستان راه یافتند و خط اصلی بسیاری از داستان‌ها شدند. «زوتسکا» و «تقی کفترباز» از جمله این داستان‌هاست.<sup>۸۹</sup>

<sup>۷۹</sup> – وکیل‌الدوله، ج ۱، ص ۱۶؛ اسدالله معطوفی، انقلاب مشروطه در استرآباد، ج ۲ (تهران: حروفیه، ۱۳۸۴)، ص ۸۷۴.

<sup>۸۰</sup> – سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، ج ۲، (تهران: علمی، ۱۳۴۳)، ص ۱۳۴.

<sup>۸۱</sup> – سیدضیاء میردیلیمی، تاریخ کتول، (بی‌جا: چاپخانه بهمن، بی‌تا)، ص ۱۵۹.

<sup>۸۲</sup> – علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، (تهران: بهزاد، ۱۳۷۸)، ص ۵۹۹.

<sup>۸۳</sup> – semeske، به معنای تخم آفتابگردان.

<sup>۸۴</sup> – siccas، به معنای خرید نقدی.

<sup>۸۵</sup> – girvan، این واژه روسی به‌صورت گیرکا تلفظ می‌شود، واحد اندازه‌گیری وزن و تقریباً معادل ۴۱۰ گرم.

<sup>۸۶</sup> – cotke، به معنای چرتکه؛ وسیله‌ای برای محاسبه.

<sup>۸۷</sup> – حسین شکی، فرهنگ کتولی (لغات، اصطلاحات، ترکیبات و کنایات)، (گرگان: نشر بنام، ۱۴۰۱)، ص ۲۶۱، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۶۶، ۷۳۳.

<sup>۸۸</sup> – رحمت‌الله رجایی، استعمار در دیار سبز: روس‌ها و انگلیس‌ها در استرآباد، (تهران: سوره مهر، ۱۳۹۸)، ص ۸۰.

<sup>۸۹</sup> – همان، ص ۸۲.

تأثیرات روس‌ها بر معماری منطقه نیز کاملاً مشهود بود. همسایگی ایران با روسیه و رفت‌وآمد آن‌ها به استرآباد، همچنین رفتن تجار و تراکمه به روسیه، سبب شد تا معماری روسی در این منطقه رواج یابد. در واقع اقوام ترکمن به شهرهای روسیه از جمله استارخان رفته و در مقابل تجار روس نیز به مناطق ترکمن نشین می‌آمدند. تمایل به ادامه روابط و رفت‌وآمدها سبب شد تا ترکمن‌ها خانه‌هایی مطابق میل و سلیقه مهمانان روسی خود ایجاد کنند. تأثیر معماری روسی را می‌توان در شهرستان‌های گمیشان و بندرگز به خصوص در ساختمان‌های قدیمی و کهنه شهرهای گمیش‌تپه و بندرگز دید.<sup>۹۰</sup>

### واکنش حاکمان و مقامات ایرانی نسبت به مهاجرت‌ها و خریدوفروش زمین‌ها

عملکرد کارگزاران و دولت ایران در ایالت استرآباد در مقابل روس‌ها ضعیف و ناکارآمد بود. حکام و کارگزاران ایرانی این منطقه نمی‌توانستند به‌طور مستقل و بدون نظر کنسول روس تصمیم‌گیری نمایند. این مسئله که به عوامل مختلفی همچون عدم صلاحیت و شایستگی حاکمان، نبود امکانات برای اصلاح امور، ظلم و تعدی حکام و روی گرداندن مردم استرآباد از آن‌ها بازمی‌گشت، سبب شده بود که روس‌ها حاکم بلامنازع منطقه گردند و اهداف خود را بدون کمترین مشکل و دردسری پیش ببرند. بنابراین واکنش اولیای ایران در مقابل مهاجرت‌های گسترده و تصرف زمین‌ها، واکنشی انفعالی و در بسیاری موارد، سکوت بود.

بی‌توجهی و اظهار بی‌اطلاعی دولت مرکزی ایران نسبت به مهاجرت‌ها و تصرف اراضی، در اسناد و جراید نیز بازتاب یافته است. در سال ۱۳۳۲ق (۱۹۱۴م) معاون وزارت خارجه، نسبت به مهاجرت گسترده روس‌ها به شمال ایران و به‌خصوص منطقه استرآباد اظهار بی‌اطلاعی کرد. وزیرمختار روسیه نیز طی ملاقاتی با مدیر اداره روزنامه رعد عنوان کرد که در خصوص مهاجرت‌های گسترده و خرید اراضی از طرف دولت ایران هیچ اظهار و واکنشی به سفارت دولت روسیه صورت نگرفته است.<sup>۹۱</sup>

این سکوت باعث می‌شد که مقامات روس، همچون ایوانف، به راحتی تبلیغات خود را پیش ببرند و اتباع روس را ترغیب به مهاجرت نمایند. هرچند که سفارت روس در تهران و وزارت امور خارجه در پترزبورگ، دل‌خوشی از رفتارهای بعضاً ناپسند برخی از مأمورین خود مانند ایوانف نداشتند، اما چون اقدامات و نقشه این مأمورین در استرآباد، با واکنش منفی و مخالفتی از سوی حکومت ایران و حاکمان محلی روبرو نمی‌شد و همچنین در راستای منافع و برنامه‌های دولت روس بود، به مأمورین خود اعتراضی نمی‌کردند و آن‌ها را در عمل آزاد گذاشته بودند.<sup>۹۲</sup>

بی‌تفاوتی حکومت استرآباد به حدی بود که مردم محلی به خاطر سوءرفتارهای روس‌ها، مجبور به تظلم خواهی نزد کنسول روس می‌شدند. هنگامی که کمیسر روسی اراضی ناحیه بسطام را تصرف کرد، رعایای این نواحی به حکومت استرآباد و میرزا محمود خان، کارگزار گنبد قابوس شکایت نمودند، اما چون نتیجه نداد، تصمیم گرفتند برای دادخواهی نزد کنسول روس بروند. عجز و سرگردانی اهالی بسطام در تظلم خواهی، از نامه‌ای که به وزارت داخله نوشتند، کاملاً مشخص است: «نمی‌دانم این چه حکایتی است و دادرسی کیست و تکلیف این یک‌مشت رعیت فلک‌زده بیچاره ساکن بسطام در مقابل این قسم ظلم‌های آشکار چیست؟»<sup>۹۳</sup>

در این میان، برخی مقامات دولتی در منطقه که خطر حضور این مهاجرین را دریافته بودند، معمولاً طی نامه‌هایی به وزارت امور خارجه با شرح دادن چگونگی مهاجرت و اسکان اتباع روس، که برخلاف قوانین و عهدنامه‌ها صورت می‌گرفت،

<sup>۹۰</sup> - خانه ملک محمدی بیدندی و دیگران، «تأثیر معماری خانه های چوبی روسیه بر خانه های چوبی گمیشان»، نشریه علمی باغ نظر، ش ۱۹، (فروردین ۱۴۰۱).

ص ۲۳-۲۴.

<sup>۹۱</sup> - روزنامه رعد، ۱۳۳۲ق، شماره ۳۷، ص ۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۲، کارتن ۴۵، پوشه ۱۸، سند ۹.

<sup>۹۲</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارتن ۴۵، پوشه ۱۸، سند ۹.

<sup>۹۳</sup> - همان، سال ۱۳۳۱، کارتن ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۴۲.



درخواست می‌کردند که این مهاجرین را سریعاً به وطن خود بازگردانند و از ورود دیگر مهاجرین جلوگیری نمایند.<sup>۹۴</sup> در ۱۴ جمادى‌الاول ۱۳۳۲ (۱۰ آوریل ۱۹۱۴) یکی از مقامات ایرانی در ترکستان به وزارت امور خارجه پیشنهاد داد که برای جلوگیری از مهاجرت اتباع روس باید مطالب را به شکلی در روزنامه‌های روسی منتشر کرد که مهاجرین از هجوم به استرآباد منصرف شوند.<sup>۹۵</sup>

تعدادی از مقامات نیز برخلاف رویه حاکمان محلی و دولت مرکزی، سعی در حفظ نواحی در مقابل تصرفات غیرقانونی روس‌ها داشتند، که البته صدمات آن را نیز متقبل می‌شدند. چنانچه به دلیل خدمات «تحصیلدار فندرسک» در پس گرفتن نواحی متصرفی فندرسک از روس‌ها و سپس اداره نمودن آن نواحی، روس‌ها از ورود آب به چهار روستای متعلق به تحصیلدار جلوگیری کردند.<sup>۹۶</sup>

برخی از متنفذین محلی نیز در مقابل تصرفات بی‌رویه روس‌ها ایستادگی می‌کردند و حتی مانع آن می‌شدند. چودور ترکمن، که پیش‌تر ذکر او رفت، زمانی که روس‌ها درصدد تصرف اراضی مرزی و نصب علائم سرحدی بودند، ضمن مخالفت با واگذاری اراضی به روس‌ها، خطاب به آن‌ها عنوان کرد: «خاک این زمین را اگر شما شور حساب می‌نمایید ولی خاک این زمین در نزد ماها و صاحبش خیلی شیرین است. اگر بخواهید علامت نصب نمایید یا پست قرار دهید، از پست ایران اجازه بگیرید.»<sup>۹۷</sup> این مقاومت و ایستادگی، رئیس اداره گمرک گمش تپه را به تمجید و می‌دارد: «درد و بلاى این چودور صحرائی به جان و مال آن کدخدای کرم‌محلّه بیفتد که آن با آن همه صحرائی‌گری صاحب این همه غیرت و همیت است و این با این ادعای دوستی این قدر بی‌غیرت و بی‌اهمیت.»<sup>۹۸</sup>

با توجه به آنچه در اسناد بازتاب یافته، ملاحظه می‌شود که پس از چند سال از شدت گرفتن مهاجرت‌ها به خاک ایران، رویه دولت ایران نسبت به مهاجرت‌ها تغییر پیدا کرد و اعتراضات زیادی به دولت روس انجام گرفت. در یکی از اقدامات، به مأمورین سواحل دریای خزر تعلیم داده شد که جلوی ورود اتباع بدون تذکره به خاک ایران را بگیرند و وزارت امور خارجه نیز اخطار داد که دولت ایران باید مهاجرین را توقیف و به نزدیک‌ترین مأمورین دولت روسیه تسلیم نماید. این هشدار سودمند واقع نشد و اتباع روس همچنان به ایران و از جمله ناحیه استرآباد وارد و حتی مشغول زراعت و فلاحت می‌شدند،<sup>۹۹</sup> بنابراین با اینکه روند مهاجرت اتباع روسی ادامه یافت، اما خروج دولت ایران از سکوت و انفعال و تلاش برای جلوگیری از مهاجرت‌ها، نشانی برای مقابله با مهاجرت‌های بی‌رویه و غیرقانونی از سوی ایران بود.

در جمادى‌الاول ۱۳۳۳ (مارس ۱۹۱۵)، زمانی که کنسول روس قصد داشت یکی از روستاهای خود در ناحیه استرآباد را بفروشد، وزارت داخله به حکومت‌های محلی دستور داد که تلاش کنند یکی از اتباع ایرانی روستای مورد نظر را بخرند تا از تصرف مجدد آن به دست اتباع خارجی جلوگیری شود.<sup>۱۰۰</sup> همچنین ملاحظه می‌شود هنگامی که کنسول روس در مقابل درخواست‌های پی‌درپی کارگزاری و حکومت استرآباد برای خروج اتباع افغان، روسی بودن آن‌ها را تکذیب و آن‌ها را تبعه ایران قلمداد کرد، ایران بدون توجه به این ادعا، همچنان پیگیر و مُصر برای خارج کردن آن‌ها بود.<sup>۱۰۱</sup> این تغییر رویه، احتمالاً به خاطر این بود که روس‌ها در آن زمان، با سرگرم شدن به مشکلات داخلی، قدرتشان در منطقه کم شده و اولیای ایران و ناحیه استرآباد جرات پیگیری مطالبات خودشان را پیدا کرده بودند.

<sup>۹۴</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارت ۵۱، پوشه ۹۴، سند ۱۲.

<sup>۹۵</sup> - همان، سال ۱۳۳۲، کارت ۴۵، پوشه ۱۸، سند ۸.

<sup>۹۶</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۷۱؛ همان، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۷۰؛ همان، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۶۹.

<sup>۹۷</sup> - همان، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۱، پوشه ۶۹، سند ۳؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه: ۲۴۰/۹۱۹۲۲.

<sup>۹۸</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۱، کارت ۵۱، پوشه ۶۹، سند ۹.

<sup>۹۹</sup> - همان، سال ۱۳۳۶، کارت ۴۶، پوشه ۴۴، سند ۱۴.

<sup>۱۰۰</sup> - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه: ۲۹۳/۴۱۴۳.

<sup>۱۰۱</sup> - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۶، کارت ۴۶، پوشه ۴۰، سند ۲۵.



## نتیجه

مهاجرت میان ایران و روسیه، به ویژه در نواحی مرزی، پیش از قرن بیستم میلادی نیز وجود داشت اما حجم و تأثیرگذاری آن بسیار محدود بود. در اوایل قرن بیستم میلادی این پدیده شدت بیشتری پیدا کرد و در دوره‌های بعد نیز تداوم یافت، به طوری که حتی قزاق‌ها در دهه اول حکومت رضا شاه پهلوی به نواحی شمالی ایران مهاجرت کردند.

در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ م) که ایجاد مهاجرنشین‌ها در نواحی شمالی ایران به سیاست اصلی دولت روسیه تبدیل شد، مهاجرت به ایالات شمالی ایران به‌ویژه استرآباد، رشد چشمگیری پیدا کرد. بسیاری از اتباع روسی با تشویق‌های دولتمردان روسی، خانه و کاشانه خود را رها کرده و برای تصاحب زمین‌های ارزان‌قیمت استرآباد به این منطقه راهی شدند و در نقاط حاصلخیز آن ساکن گردیدند. اما حدود سال ۱۳۳۴ ق (۱۹۱۶ م) ایجاد مهاجرنشین‌ها در منطقه تقریباً کم‌رنگ شد و در این سال‌ها اتباع روس برای فرار از مشکلات داخلی، که به خاطر جنگ جهانی اول و انقلاب روسیه، گریبان‌گیر کشورشان شده بود، به استرآباد مهاجرت کردند. مالاکان‌ها، ترکمن‌ها، افغان‌های تبعه روس و آوارگان جنگی و پناهندگان سیاسی مهم‌ترین گروه‌های مهاجر به منطقه استرآباد بودند که در مورد هر یک به تفصیل سخن رفت.

حضور این مهاجرین در منطقه در درجه اول باعث تصاحب اراضی وسیعی شد که با حمایت کنسول و مقامات روسی به تصرف مهاجرین درآمد و لطمات بی‌شماری به اهالی منطقه وارد آورد. به دنبال آن، روس‌ها نفوذ زیادی در منطقه به دست آوردند و ضمن مداخله در امور داخلی منطقه، قدرت را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی به دست گرفتند. کسب این میزان نفوذ و قدرت، روس‌ها را هرچه بیشتر به هدف کلنی‌سازی منطقه و جدا ساختن این نواحی از ایران نزدیک می‌ساخت و اگر انقلاب روسیه اتفاق نیفتاده بود، روس‌ها بی‌شک به این هدف جامه عمل می‌پوشانیدند. از سوی دیگر، حضور این مهاجرین بر فرهنگ مردم منطقه نیز تأثیر چشمگیری گذاشت که برخی از آن‌ها همچنان باقی‌مانده است.

نهایتاً باید اشاره کرد که در اوایل هجوم اتباع روس به ایران، سیاست دولتمردان ایرانی و حاکمان محلی در بیشتر مواقع، سکوت و عدم واکنش صحیح و لازم به مهاجرت‌ها و تصرف زمین‌ها بود. اما در سال‌های وقوع جنگ و انقلاب روسیه، به دنبال کاهش قدرت و نفوذ روس‌ها در منطقه، دولت ایران نیز جرأت و جسارت پیگیری مطالبات خود را پیدا کرد، اگرچه عملاً نتیجه‌ای از این هم پیدا نکرد.

## کتابنامه:

### اسناد-

#### الف) اسناد آرشیو وزارت امور خارجه

سال ۱۳۲۶، کارتن ۵۷، پوشه ۹؛ سال ۱۳۲۸، کارتن ۵۱، پوشه ۵؛ سال ۱۳۳۱، کارتن ۵۱، پوشه ۲۵، سند ۴۲؛ سال ۱۳۳۱، کارتن ۵۱، پوشه ۶۹؛ سال ۱۳۳۲، کارتن ۴۵، پوشه ۱۱؛ سال ۱۳۳۲، کارتن ۴۵، پوشه ۱۸؛ سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴؛ سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پوشه ۹۴؛ سال ۱۳۳۴، کارتن ۴۶، پوشه ۱؛ سال ۱۳۳۵، کارتن ۶۶، پوشه ۱۷؛ سال ۱۳۳۶، کارتن ۶۶، پوشه ۵۱؛ سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴؛ سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۰؛ سال ۱۳۳۶، کارتن ۶۶، پوشه ۵۱؛ سال ۱۳۳۶، کارتن ۴۶، پوشه ۴۴؛ سال ۱۳۳۷، کارتن ۴۶، پوشه ۸.

#### ب) اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سال ۱۳۳۰ ق، شناسه سند: ۳۶۰/۸۷۸۱؛ شناسه سند: ۲۹۵/۷۴۵۹؛ سال ۱۳۳۳ ق، شناسه سند: ۲۹۳/۴۱۴۳؛ سال ۱۳۳۵ ق، شناسه: ۲۱۰/۱۱۰۲؛ شناسه سند: ۲۴۰/۱۴۳۲۹؛ سال ۱۳۳۱ ق، شناسه سند: ۲۴۰/۹۱۹۲۲؛ سال ۱۳۳۵ ق، شناسه سند: شناسه: ۲۴۰/۷۲۴۸؛ شناسه سند: ۲۱۰/۱۱۰۲۲؛ سال ۱۳۳۵ ق، شناسه سند: ۲۱۰/۱۱۰۲۲.

## – کتب

- اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی. به کوشش وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی اداره انتشار اسناد، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۲.
- اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای (۱۲۴۵-۱۲۵۰ق). به کوشش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۹۱.
- بیات، کاوه. ایران و جنگ جهانی اول. تهران: سازمان اسناد ملی پژوهشکده اسناد، ۱۳۸۱.
- رجایی، رحمت‌الله. استعمار در دیار سبز: روس‌ها و انگلیس‌ها در استرآباد. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۸.
- سارلی، اراز محمد. تاریخ ترکمنستان. ج ۲. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳.
- سایکس، سرپرسی. تاریخ ایران. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: علمی، ۱۳۴۳.
- شکی، حسین. فرهنگ کنولی (لغات، اصطلاحات، ترکیبات و کنایات). گرگان: نشر بنام، ۱۴۰۱.
- کاظم‌زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- کرزن، جورج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی. ج ۱. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- معطوفی، اسدالله. انقلاب مشروطه در استرآباد. ج ۲. تهران: حروفیه، ۱۳۸۴.
- ملگونف، گریگوری. کرانه‌های جنوبی دریای خزر. ترجمه امیرهوشنگ امینی. تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۷۶.
- میردیلیمی، سیدضیاء. تاریخ کتول. بی‌جا: چاپخانه بهمن، بی‌تا.
- نصیری مقدم، محمدنادر. گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
- وکیل‌الدوله، حسینقلی مقصدلو. مخابرات استرآباد: گزارش‌های حسینقلی مقصدلو وکیل‌الدوله. به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. ج ۱. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

## – مقالات

- ملک محمدی بیدهندی، حنا و دیگران. «تأثیر معماری خانه‌های چوبی روسیه بر خانه‌های چوبی گمیشان». نشریه علمی باغ‌نظر، ش ۱۹، ۱۴۰۱، ص ۱۹ تا ۳۲.
- نورائی، مرتضی و النا آندریوا. «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار». مجله پژوهش‌های تاریخی، ش ۴، ۱۳۸۸، ص ۲۱ تا ۳۶.
- نورائی، مرتضی و مینا سعادت. «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۱۸-۱۳۴۰ق/۱۹۰۰-۱۹۲۱م». نشریه گنجینه اسناد، ش ۷۸، ۱۳۸۹، ص ۱۲ تا ۳۱.

## – روزنامه‌ها

- روزنامه چهره نما، شماره ۳۰، ۱۳۲۴ق.
- روزنامه حبل‌المتین، شماره ۱۳، ۱۳۳۱ق.
- روزنامه رعد، شماره ۳۷، ۱۳۳۲.
- روزنامه صبح صادق، شماره ۱۶۶، ۱۳۲۵.
- روزنامه مجلس، شماره ۲۰۱، ۱۳۲۵.

نسخہ نویسی پر جامعہ